



خسرو امیر حسینی

سخن سردبیر

خوش آنروزی که آبی بود و گاوی

کیاب اجاق چلو هدایت می کند گفتم: از قنوات چه خبر انگشت به دندان گرفتند گفتند محصول باغی وزمین از فرانسه سیب سبز از هند و پاکستان برنج، گوشت از هندوراس، از لبنان و عربستان سیب زمینی و از آمریکا و بنگال گندم، از هلند و مصر گوجه فرنگی و ... پشت وانت بار در کوچه ها می دهند و پول آمده از نفت می گیرند. از این ماده بدبو این سیاه بدقواره، که چه و چه ها بر سر ما آورده. در کتاب انقلاب سفید شاه خوانده بودم که مصدق به من «شاه» گفت ای کاش نفت نمی داشتیم و نمی فروختیم بهتر بود آفتابه می ساختیم تا پول نفت ... آنروزها معنی این ماده بد بو را نمی دانستیم و تاثیر آن را به روی کشور نمی فهمیدم. در خبرها آمده بود یک کشوری توانسته با فروش عروسک هزینه ملی خود را تامین کند و ما بر زمین کشت سنگهای کوه شکافته می ریزیم تا نروید خاری و آدیداسمان گلی نشود و گاوی را به قصاب دادیم تا اوجار به زمین نکشاند و خیش نشکافد زمین را برای کاشت و خودباوری کجا شد آن پند مرزبان نامه: از ما نواله اکل و شرب از مذبح فریه خویش خوریم نه از فضاله مطبخ و هریسه دیگران.

زمانی نه چندان دور، کشور پهناور ایران نه تنها در مسیر جاده ابریشم بلکه در طول سواحل طولانی خود، یکی از بزرگترین مراکز تجاری جهان برای تبادل انواع کالاهای آن روزگار به شمار می رفت و علاوه بر آن به عنوان یکی از کشورهای برتر در عرصه تولید، نقش عمده ای را در تجارت جهانی برعهده داشت و به صورت خودکفا بسیاری از محصولات کشاورزی و صنعتی عهد خود را نیز تامین می کرد.

چند روزی است می گویند به تنبل ها سبد کالا می دهند که در آن برنج، گوشت مرغ، پنیر و ... هست و همکار خیریم می گویند: پول نفتمان است یک سبد دیگر. (اشاره ای به شعار انقلاب بود که برای فرماندار نظامی می سرودیم: پول نفتمونه یکی دیگه در کن)

علاوه بر محصولاتی مانند نفت خام، خویار، زعفران و فرش ایران که همچنان شهرت جهانی خود را حفظ کرده اند، کالاهای دیگری مانند خرما، چای و حتی ابریشم ایران از جایگاه نسبتاً خوبی در مبادلات تجاری داخلی و خارج از کشور برخوردار بودند، صنایع دستی ایران با تنوع و کمیت و کیفیت برتر در زمینه های مختلف عرصه رقابت را در اختیار خود داشتند. حتی کشورهایی مانند چین و ژاپن با وجود تمام قدمت تاریخی خود نتوانستند جایگاه صنایع دستی ایران را در معرض تهدید قرار دهند.

اما دیری نپایید که تحت تأثیر نفوذ بیگانگان و القای عجز و ناتوانی در وجود مردم این سرزمین، نه تنها زمینه اضمحلال تولیدات ایرانی فراهم شد، بلکه به تدریج خودباوری تبدیل به یاس و ناامیدی و تمام ظرفیتها و فرصتها برای همگام شدن با روند رو به رشد غافلانه تولید نیز به کلی نابود شد.

اینک ایران تولیدکننده با اعمال سیاستهای مزورانه دشمنان این سرزمین و اعمال روش های نادرست و کوتاه بینانه حکام نالایق قبل از انقلاب، به کشوری مصرف کننده و مصرف گرا و بازاری برای عرضه کالاهای خارجی تبدیل شد که از ساده ترین تا پیچیده ترین محصولاتی که همواره در ردیف قدیمی ترین محصولات خارجی قرار داشتند، به طور کامل در سیطره کمپانی های مختلف شرقی و غربی قرار گرفت.

پس از ظهور انقلاب اسلامی که به حق معجزه قرن نام گرفت، تحت رهبری های داهیانه حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری که پیوسته تحت عناوین مختلف مانند طرح موضوع خودکفایی در عرصه های مختلف، به تدریج شرایط برای احیای مجدد موقعیت از دست رفته فراهم شد و بار دیگر پرچم عزت و اقتدار کشور در مسیر توسعه و تعالی، در ابعاد

عمو علی بانو رو در دروازه شیرازی دیدم که دانه های تسبیح خود را تند تند، دانه به دانه شمرده وزیر لب زمزمه میکرد: خوش آنروز که آبی بود و گاوی. اهسته به عمو علی نزدیک شدم و سلامی کرده، روی آفتاب سوخته و دست پینه بسته او را بوسیدم. چشمان ابستن به اشکش را بر شانه هایم گذارد و در گوشم به آرامی شروع به نجوا کرد: پسر من! ما تفاوتش با نسل حاجی خان این بود که آنها می گفتند: بکاشته و بخوردیم و کاشتیم و خوردند خدا بیامرزندشان نسل ما این باور را می داشت سید اسماعیل و مشهد مراد علی یک من هفت تومان «سال ۱۳۲۱ جنگ جهانی دوم» وقتی از سربازخانه فرار کردند شب که به ده رسیدند بیل دست گرفتند رفتند سراب و فردای آنروز در قصبه جیرین مشغول کار بودند همین کوله چینه کار پدران آنها بود آب سیو، سیو از بلاغ می آوردند گل درست می کردند و چینه می کشیدند.

آن درخت گردو که در باغ زر اسباب درویش علی بود کاشت مرحوم کل حسین جان بود آن تلاش باور می شد دج، دج خرمن محصول، حمامی می برد، سلمانی می برد، درویش و سید می بردند، دشتبان، گاو گله مان چوپان می برد و همه کندوله ها پر، دلها شاد، و به زیارت پیر حیدر و پیغمبر شموئیل هر ماه، به قم، مشهد، کربلا هر ساله و تک و توک به مکه مکرمه هم مشرف می شدند یا با شتر یا الاغ یا پای پیاده. مرحوم مشهد قمر دوباره پیاده تا خراسان رفت و برگشت با نان سفره خودش که خود برکت بود.

عموم علی می گفت نسل امروز با پول بی حساب کتاب نفت شده عین ابله مرغان همه جا سر می کشد و تا کور نکند دست نمی کشد. عمو علی می گفت نسل حال چون این باور را نمی دارد که بکارند برای آیندگان به زمین رحم نمی کنند باغ را داغ می کنند و کوه این لنگر زمین این سرو سبز این جایگاه چرند پرند خداوند را با ماشینهای بزرگ سوراخ می کنند و می ترکانند تکه تکه سوار ماشینهای کمپرسور کرده و می ریزند تون زمین کشت و سیمان آجر هم اضافه می کنند یک چهار دیواری بی قواره می سازند متری خدا تومان می فروشند پولش می شه ددر دودور و آیندگان باید گل مصنوعی چینی توی گلدان خود بگذارند عکس درخت را هم به دیوار بکشند عمو علی دست ما را گرفت و برد باغ معروف قربانقلی نفسش دیگر نمی کشید، نشست و گفت:

این نسل بخور پس نده در آن ویلاهایشان به راحتی بیاسایند و کاشت پدران را به لمپانند. خدا رحمت کند عباس عموعلی که از دو پا فلج و خود را به زمین می کشید تا از جایی به جای دیگر و از سایه به آفتاب رو برود. او برای ساخت باغ در دالو قالاخان با دست های خویش سنگ های افتاده در زمین را بر می چید تا گردی را از سنگ ریزه پاک و در آن نهال بکارد. چند روز پیش از باغ معروف قربان قلی در حال گذر بودم که دیدم کامیونهای بنز ده تنی و کمپرسورها سنگ های معدن دو شاخ آق برون، تیر را به زمین باغ قربان قلی تل تل می ریختند تا خانه ویلایی ساخته شود رنگ از رخسارم پرید نای رفتن نداشتم. درختان گردو، بادام، پسته دیگر جلوی چشمم نبود دیگر از دختران سرزنده و شاداب روستایی که بر شاخسار درختان تاب بازی می کردند خبری نبود از شورای ده پرسیدم: زمین کشت و سنگ معدن!!! آنها گفتند: وقتی پول نفت می آید و نه به گاواهن و خیش احتیاج است، و نه حاجت به کاشت، داشت، برداشت...!!! مخدر صنعتی ارزان هم که بیداد می کند، پول مفت همینها!!! و گفتم بکجا چنین شتابان. اینجا پر از درختان فصلی و غیر فصلی بود! گفتند: زهی خیال باطل، بود!!! نه اینجا که در تمام مزارع و باغات از درخت دیگر خبری نیست اره برقی اره موتوری در یک چشم بهم زدن تنه درخت را ریز ریز و به منقل ذغال

مختلف مادی و معنوی به اهتزاز در آمد.

این تحول در حدی بوده که هم اکنون بخش قابل توجهی از دستاوردهای علمی دانشمندان و متخصصین ایرانی در عرصه‌های مختلف به محصولات صنعتی تبدیل شده و افزایش میزان تولیدات و صادرات در بخش‌های گوناگون را به همراه داشته و این همه بیانگر آن است که به تعبیر حضرت امام(ره)، ما می‌توانیم و خواستیم توانستن است.

با این وجود علی‌رغم تمام پیشرفت‌های کسب شده در این زمینه ما هنوز نمی‌توانیم بگوییم که اکنون در عرصه تولید به تمام آرمان‌ها و اهداف مورد نظر دست یافته‌ایم، چرا که برای ما همچنان تا رسیدن به وضع مطلوب راه زیادی باقیمانده است، زیرا با دستیابی به مرحله‌ای از دانش که بتوانیم در مواجهه با تحریم‌ها و در رقابت با بازارهای بین‌المللی، نه همه محصولات (که امکان پذیر و منطقی نیست) بلکه در حد رفع وابستگی در تامین نیازهای اساسی، بخش عمده را خود تولید کنیم، فاصله داریم. کافی است به طور گذرا به وسایل و امکانات متنوع و مدرن محیط کار یا محل زندگی خودمان نگاهی بیندازیم و سهم دانشمندان و نخبگان ایرانی را از اختراع، ابداع یا حتی تولید داخلی این امکانات مورد بررسی قرار دهیم. هنوز بخش زیادی از نیازهای اساسی ما وارداتی است و بخش قابل توجهی از حاصل فعالیت‌های تولیدی ما به شکل مواد اولیه خام و بدون فرآوری و در نظر گرفتن ارزش افزوده آن، صادر می‌شود.

علی‌رغم اینکه سال‌ها تولیدکننده نفت بوده ایم، اما همچنان خام فروشی نفت دغدغه اصلی مسئولین به شمار می‌رود. هنوز نتوانسته‌ایم حداقل در این زمینه به طور کامل نیازهای داخلی کشور را تامین کنیم.

در سایر بخش‌ها، علی‌رغم پیشرفت‌های شگرف و ارتقای قابل ملاحظه جایگاه علمی کشور و با وجود اینکه در حد قابل توجهی به دانش بومی و تکنولوژی‌های روز دنیا دست یافته‌ایم، اما اولاً هنوز به حدی از خودباوری و بلوغ علمی نرسیده‌ایم که همه دستاوردهای علمی را به محصول تبدیل کرده و به یک تولیدکننده واقعی دانش و صادرکننده متکی به فن آوری بومی تبدیل شویم، ثانیاً همچنان در بخش‌های زیادی از فعالیت‌های عمرانی، صنعتی و خدماتی، بیش از حد متعارف نیازمند واردات و استفاده از دانش، تجهیزات و ماشین‌آلات خارجی هستیم.

گفته می‌شود ژاپنی‌ها در گذر از مرحله عقب‌ماندگی و ورود به مرحله توسعه‌یافتگی، در یک اقدام فراگیر و ملی و با عزم و اراده‌ای جدی، به عنوان یک شعار راهبردی اعلام کردند که دیگر هیچ کالای غیر ضروری را وارد نخواهند کرد، مگر اینکه خود آن را تولید نکنند. این در شرایطی است که در این کشور، منابع طبیعی به عنوان یکی از سه عامل اصلی تولید ثروت، فقط ۲٪ از منابع را به خود اختصاص داده است، اما این مشکل مانع کار نشد و آنها توانستند با تقویت دو عامل دیگر یعنی امکانات فیزیکی با ۱۸٪ سهم و به ویژه منابع انسانی (علم و دانش نیروهای متخصص و ماهر) با ۸۰٪ سهم، نه تنها شکاف موجود را برطرف کنند بلکه با اتکا به تولید علم و فناوری عمدتاً بومی، ژاپن را به یکی از بزرگترین صادرکنندگان و صاحبان سرمایه در دنیا تبدیل کنند.

چینی‌ها نیز با برخورداری از کمترین منابع طبیعی در اقدامی مشابه اعلام کردند هر کالایی را فقط یک بار وارد می‌کنند و در مراحل بعد، خودشان آن کالا را تولید می‌کنند. در حال حاضر نیز با وارد کردن مواد اولیه ارزان قیمت و تبدیل آن به محصولات جدید و صدور آن به اقصی نقاط دنیا، بیشترین ارزش افزوده را عاید خود می‌سازند اما به این مقدار هم بسنده نکرده و با سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها، به آن سطح از رشد دست یافته‌اند که هم اکنون تنها در کشورهای آفریقایی بالغ بر ۷۰۰ پروژه عمرانی و صنعتی را در بخش‌ها و موضوعات مختلف در دست اجرا دارند. این موضوعی است که در مورد سایر کشورهای پیشرفته مانند آلمان با سهم ۴ درصدی و اسپانیا با سهم ۱۰ درصدی از منابع طبیعی (نسبت به سایر عوامل تولید ثروت در یک کشور) مصداق دارد.

اگرچه شرایط کسب و کار و ارزش‌های اجتماعی در کشور ما تابع شرایط خاص خود بوده و با سایر کشورها تفاوت دارد، اما نباید فراموش کنیم که از دیرباز در سایه برخی سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات غیراصولی دستگاه‌های ذیربط، به جای آنکه موانع موجود را شناسایی کنیم و مرتفع و برای کاهش نرخ رشد بیکاری، هزینه‌های سرمایه‌گذاری در تولید و حتی پرداخت یارانه به این موضوع را پذیرا باشیم، نه تنها کالاهای غیرتولیدی را وارد می‌کنیم، بلکه بدون ایجاد محدودیت‌های منطقی و متعادل، به قدری ساز و کار ورود

محصولات خارجی را تسهیل می‌کنیم که بخش قابل توجهی از داشته‌های خود در بخش صنعت را نیز به طور کامل از دست داده و متأسفانه این روند به گونه‌ای در حال گذر است که از دست دادن بخش‌های دیگر نیز دور از انتظار نیست.

مشکل در این زمینه از این میزان هم فراتر رفته است، به گونه‌ای که با تبلیغ کالاهای خارجی که بخش قابل ملاحظه‌ای از وقت تبلیغاتی رسانه ملی، مطبوعات و حاشیه خیابان‌ها و معابر عمومی شهرها و حتی جاده‌های بین شهری را به مانند اختاپوشی غول پیکر در سیطره خود گرفته است، به این موضوع دامن می‌زنیم و غافل از نتایج کار، در جستجوی راهکارهای جدید برای اشتغال‌زایی و توسعه صنایع، به این و آن متوسل می‌شویم.

بررسی‌های کلی نیز گویای آن است که به رغم تمام تلاش‌های صورت گرفته از سوی کشورهای در حال توسعه، در مجموع سهم سرمایه‌های انسانی و اجتماعی در تولید ملی کشورهایی مانند کشور ما بسیار اندک است. به گونه‌ای که مجموع ۶۳ کشور صادرکننده مواد خام (عمدتاً جهان سومی) با برخورداری از ۲۶٪ منابع انسانی، ۲۰٪ امکانات فیزیکی و ۴۴٪ از منابع طبیعی، فقط ۶/۴٪ از تولید ثروت جهانی و ۱۰۰ کشور در حال توسعه از جمله ایران نیز با ۵۶٪ منابع انسانی، ۱۶٪ امکانات فیزیکی و ۲۸٪ از منابع طبیعی، حدود ۹/۱۵٪ از تولید ثروت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. متقابلاً ۲۹ کشور صنعتی (توسعه یافته) با ۶۷٪ منابع انسانی، ۱۶٪ امکانات فیزیکی و ۱۷٪ منابع طبیعی، بیش از ۶/۷۹٪ تولید ثروت جهانی را از آن خود ساخته‌اند و این نکته خود بیانگر عمق فاجعه است.

نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که کشورهای صنعتی علی‌رغم برخورداری از کمترین میزان منابع طبیعی و عمدتاً با اتکا به منابع انسانی متخصص و در اختیار گرفتن امکانات فیزیکی و ابزار نوین و از طریق تولید علم و فن آوری نوین توانسته‌اند بیشترین درآمد را عاید خود کنند. بدیهی است ریشه این مسائل را می‌توان در عوامل مختلفی مانند درگیر بودن کشور در جنگی تحمیلی، توطئه‌ها و دسیسه‌های مستمر بیگانگان و تأثیر منفی آن در روند توسعه، غفلت برخی مسئولین سابق برای اقدام به موقع نسبت به انجام پاره‌ای از اقدامات بنیادی و زیربنایی، گرفتار شدن بخش قابل توجهی از افراد اثرگذار جامعه در کشمکش‌های سیاسی و مسائل حاشیه‌ای، ضعف در تدوین استراتژی‌ها و هدف‌گذاری‌های سازمانی، به روز نبودن سیستم‌ها و روش‌ها و مهمتر از همه فراموش شدن نقشی که هریک از ما می‌توانیم در این زمینه برعهده داشته باشیم، جستجو کرد.

شاید هیچ‌گاه از خود نپرسیده باشیم که چه عواملی مانع دستیابی کامل ما به اهداف مورد نظر در این زمینه شده است؟ نقش و مسئولیت هریک از نهادهای اجتماعی مانند دولت، مراجع قانون‌گذاری، مجریان قانون یا واردکننده، تولیدکننده، صادرکننده، مصرف‌کننده و به خصوص رسانه‌ها در نابسامانی‌های مورد اشاره و اصلاح و بهبود آن چیست؟ چه عاملی باعث شده تا ما در تولید علم فقط مراحل اولیه را طی کرده و به ارائه چند مقاله و دریافت تعدادی مدال و دیپلم افتخار بسنده و دلخوش کنیم؟ چه عاملی سبب شده تا محصولات صنعتی ما در رقابت با محصولات خارجی خیلی زود از گردونه تولید خارج شوند؟ اصلاً آیا ما می‌توانیم عملکرد خود را صرفاً با معیارها و شاخصه‌های خارجی تطبیق داده یا مورد سنجش قرار دهیم؟ چرا در برخی از موضوعات مانند تولید محصولات کشاورزی، تعادل منطقی و حساب شده بین عرضه و تقاضا وجود ندارد و گاهی با مازاد بدون برنامه تولید و گاهی با کمبود تولید مواجه می‌شویم؟ چرا بخش قابل توجهی از محصولات تولیدی ما در صنایعی مانند خودروسازی، هیچگاه نمی‌تواند حتی رضایت نسبی مشتری را فراهم کند؟ چرا دیگر اثر چندانی از دانش مفید و ارزشمند معماری ایرانی و نمادهای اسلامی در صنعت ساخت و ساز ما به چشم نمی‌خورد؟ چه عواملی باعث می‌شوند که مثلاً عمر مفید یک ساختمان در کشور ما ۲۰ سال تعیین شود و پس از آن به تدریج شمارش معکوس برای فرسودگی زود هنگام و فروریختن خودبه‌خود آن آغاز شود، در حالی که دیگران ساختمان‌هایی می‌سازند که پس از صدسال به زور دینامیت و ابزار ویژه قابل انهدام است؟ و چرا...؟

آیا هنگام آن نرسیده تا در مسیر توسعه و تعالی ایران اسلامی، هر کدام از ما نسبت به موقعیت و مسئولیت خود در جامعه، با نگاه به فرصت‌های از دست رفته و شرایط پیش رو، در اقدامی فراخور شان و منزلت مردم کشوری انقلابی و اسلامی، دست در دست یکدیگر قرار داده و به ضرورت افزایش کیفیت و تحول در موضوع تولید و احیای موقعیت قبلی خود بیندیشیم؟